



۲۰۱۸/۰۵/۲۵

انجنیر سلطان جان کلیوال

قونسلگری دولت ایران در شهر جلال آباد به چه منظور ابوجد آمد؟

سفارت ها و قونسلگری ها عبارت از دفاتری می باشند که روابط هم جانبه یک کشور را با کشور دیگر برقرار می سازند. گرچه اصطلاحات و ترم های سفارت و قونسلگری یکسان استعمال می شوند اما یکسان نبوده و در اجرای وظایف شان تفاوت های زیادی وجود دارد. مثلاً:

سفارت یک اداره بزرگ، با اهمیت و با صلاحیت ترین ارگان دیپلماتیک یک کشور در کشور دیگر هست که معمولاً در پایتخت همان کشور وجود می داشته باشد. سفارت یک اداره دایمی بوده و تا زمانی در یک کشور دیگر کار می کند که مناسبات دیپلماتیک این کشورها از بین نرفته باشند. مأمور بزرگ و با صلاحیت دفتر سفارت را به نام سفیر یاد میکنند که نماینده عام و تام دولت متحابه خود می باشد.

اما قونسلگری یک شکل کوچکتر سفارت است که در شهرهای بزرگ یک کشور، نه در مرکز و پایتخت آن، به خاطر بسر رساندن یک سلسله وظایف و خدمات مشخص برای اطباع کشور خود که در آن شهر طور مؤقت و یا دایمی سکونت دارند، بوجود می آید.

قونسلگری ها دفاتر دایمی نبوده و می توانند که در صورت نبودن ضرورت بدون اینکه مناسبات دو کشور خراب شود از بین بروند و یا در همان کشور به کدام شهر دیگر انتقال کنند. مأمور بزرگ و باصلاحیت این دفتر را به نام قونسل یاد می نمایند. وظایف اساسی دفاتر قونسلگری ها قرار ذیل تفکیک شده است:

- ۱- صدور ویزه ها برای مسافری که به کشورشان مسافرت می نمایند.
- ۲- صدور تذکره ها یا سند هویت برای آنچه مردم کشور خود که درین شهر زندگی دارند.
- ۳- صدور پاسپورت ها، تهیه وکالت خط ها برویت اسناد قانونی ملکیت، ترجمه کردن اسناد ضروری از یک زبان به زبان دیگر.
- ۴- و به انجام رساندن دیگر خدمات برای مردم کشور خود نظر به صلاحیت و ظرفیت.

حال بر میگردیم به اصل مطلب، که عبارت از ضرورت موجودیت دفتر قونسلگری دولت اسلامی ایران، که در زمان زمامداری پروفیسور استاد برهان الدین ربانی، در سال (۱۹۹۳م) در شهر جلال آباد افتتاح گردید.

- ❖ شهر جلال آباد به حیث یک شهر بزرگ و با اهمیت افغانستان که در قسمت شرق جغرافیه کشور در نزدیکی پاکستان قرار دارد.
- ❖ این شهر به فاصله بالاتر از (۱۲۰۰) کیلومتر از سرحد ایران – افغانستان دور واقع شده است.
- ❖ درین شهر به صورت قطعی یک نفر از طبعه ایرانی زندگی نداشته و ندارد.
- ❖ ازین شهر یک تن هم به ایران مستقیماً سفر نمی کند.
- ❖ بین این شهر و ایران هیچگونه رابطه مستقیم ترانسپورتی وجود ندارد.
- ❖ هیچگونه اموال تجاری ازین شهر به ایران صادر نمی شود و هیچ گونه اموال ایرانی طور مستقیم از ایران به این شهر وارد نمی گردد.
- ❖ هیچگونه راه های مواصلاتی هوایی و زمینی این شهر را به ایران وصل نمی کند.

خلص اینکه شهر جلال آباد، از نگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و کلتوری، اجتماعی و غیره هیچ نوع رابطه مستقیم با ایران نداشته و ندارد.

پس سؤال پیدا می شود که دفتر قونسلگری ایران درین شهر به کدام منظور افتتاح کردید و وظیفه اصلی این دفتر درین شهر چه بود؟ و اگر تا حال هم موجود باشد چه است و چه خواهد بود؟

چنین سؤالات در زمان افتتاح این دفتر در سال (۱۹۹۳م)، در شهر جلال آباد بین اشخاص با سواد و تعلیم یافته بوجود آمده بود ولی جواب گنگ و نا معلوم بود.

دفتر قونسلگری ایران در قسمت شرقی شهر جلال آباد در قریه ای که به نام قصبه یاد می شد، در یک خانه نسبتاً مجلل و نوساخت متعلق به انجنیر عبدالغفار قوماندان حزب اسلامی حکمتیار و در آنوقت رئیس گمرک جلال آباد (به گمان اغلب فعلاً وکیل در پارلمان) افتتاح و شروع به کار کرد.

بعد از یک مدت تقریباً شش، هفت ماه یک روز یک دوست خیلی نزدیک فامیلی ام به خانه آمد و از من تقاضا کرد که در نزدیکی مسجد جامع بزازی در یک دوکان رخت فروشی، یک دوست من یک مقدار اموال خریداری نموده است، که در قطی های مخصوص جابجا شده اند. این مال از اموال قاچاق شده از اتحاد شوروی سابق است و بالای قطی های آن به زبان روسی چیزی نوشته شده است. اگر وقت داشته باشی که همراه بروی و تو که به زبان روسی می فهمی برایش بخوانی که چه نوشته شده است. من به دو دلیل قبول کردم اول اینکه شخص مزکور دوستم بود و دوم اینکه به من هم دلچسپی پیدا شد تا بفهمم که این اموال شوروی چه خواهند بود؟

رفتیم و در پسخانه دوکان که در حقیقت گدام رخت ها بود درامدیم. یک نفر دیگر هم به عقب مایان در آمد و از بین رختها دو دانه سلندر سربی که وزن سلندر کلان (۲۸) کیلو و وزن سلندر کوچک (۲۱) کیلو گرام بود پیشرویم ماند. من قبل ازینکه که نوشته را بخوانم فهمیدم که در بین این سلندر ها چی بوده است؟ گفتم برادر این مواد که (یورانیوم) غنی شده است، چطور به انجا رسیده است؟ رفیقم برایم گفتم بلی درست است مگر تمام نوشته را بخوان که مواد اصل است و یا اینکه جعل شده است؟ من که در سال ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ م در کشور پولیند در شهر کراکوف راجع به انرژی اتمی درس خوانده بودم و در ریاکتر های انرژی اتمی به پروسس غنی شدن یورانیوم، و محافظت یورانیوم

غنی شده که به صورت عموم در تمام دنیا یورانیوم غنی شده را صرف به صورت مصون در سلنדר های استوانه ای مانند سُرَبی میتون نگاهداری کرد، بلدیته داشتیم، بعد از خواندن برایش گفتم که در قطی (سلنדר) بزرگ به اندازه (۲۵۰گرم) و در قطی (سلنדר) کوچک به اندازه (۱۵۰ گرم) یورانیوم غنی شده به شکل مُهر و لاک مخصوص جا به جا گردیده و کاملاً مواد اصلی هست، هیچگونه جعل کاری در آن صورت نگرفته است.

رفیقم گفت خیلی ممنون برو که برویم. هر دوی ما از دوکان برآمدیم، در راه ازش پرسیدم خوب قصه کو این مواد چطور ازین راه دور و دراز به این جا رسیده و از این جا به کجا میروند؟

گفت همه چیز را برایت می گویم خو در راه رفتن نمی شه بریم خانه چای خورده برایت قصه می کنیم.

دوباره به خانه آمدیم و رفیقم قصه را چنین آغاز کرد :

«کلیوال صاحب اولتر از همه لازم می دانم برایت بگویم که اشتباه نکنی من درین بزنس به صورت کلی دخیل نیستم و هیچگاه داخل نخواهم شد.» (من نام رفیق مرا درینجا بخاطری ذکر نمی کنم که تقریباً بالاتر از هشتاد فیصد مردم مشرقی او را می شناسد و انسان خیلی خوب هست، از اینکه ازش اجازه نگرفته ام که نامش را ذکر کنم بناءً نمی خواهم که از من آزرده شود.) گفتم صد فیصد به گپت باور دارم، گفت خوب شد «این یورانیوم غنی شده، بعد از سقوط دولت شوروی و تجزیه امپراطوری شان از بتی ها (ریاکترهای) اتومی دولت قزاقستان توسط نمی دانم شاید کارمندان آن بتی ها چپاول شده باشند و به دست قاچاقبران رسیده که تا اینجا انتقال شده است.» گفتم شاید همینطور باشد ولی کی ها آنرا تا به اینجا رسانده است و ازینجا به کجا می روند به پاکستان؟ گفت «نی به پاکستان نمی روند به ایران می روند.»

گفتم از جلال آباد به ایران؟ چطور ممکن است؟

گفت «بلی همین حقیقت است. قصه ازین قرار است که قاچاقبران روسی و قزاقی این یورانیوم را از بتی ها دزدیده و چپاول کرده، از آنجا به تاجکستان انتقال داده شد، از تاجکستان توسط قوماندانان احمدشاه مسعود به پنجشیر و از آنجا توسط قوماندانان حزب اسلامی حکمتیار به همکاری قوماندانان تنظیم های مختلف و شریک در شورای جهادی ننگرهار در قسمت های جداگانه ولایت ننگرهار و لغمان جابجا شده و اکنون تصمیم بر آن است که این مواد از تمام قوماندانان که آنرا در دست دارند توسط قونسلگری ایران که جدیداً در شهر جلال آباد شروع به کار کرده است خریداری می گردند و بعد به ایران انتقال می شوند.»

قسماً گنگس شدم و از رفیقم سؤال کردم که چگونه، توسط چه و از کدام راه به ایران انتقال می گردد؟ دوستم برایم گفت «کلیوال صاحب مردم هوشیار است راه را سنجیده و انتقال هم آغاز شده است میدانی چطور؟ اینطور که شورای جهادی ولایت ننگرهار غرض انتقال این مواد با یک ایرلاین قرار داد بسته کرده اند و یک پروند طیاره را از کدام ایرلاین دیگر به کرایه گرفته و تحت نام (خیبر ایرلاین) از میدان هوایی جلاآباد هفته یک یا دو مرتبه به ثوب قطر و یا عمارات متحده عربی؟ پرواز تجارتی اجرا می کند. اموال که درین طیاره انتقال میشوند ظاهراً خوب چار تراش هستند ولی میدانید این سلنדרها چگونه برده می شوند؟ قسمیکه در کدام کارگاه نجاری مابین چوب های چار تراش تخلیه می گردند و مانند تابوت، سلنדרها دربین آن مثل بادی مرده جابجا می شوند و در قسمت آخر این طیاره قرار داده و طیاره پرواز میکند.» دوست من اضافه کرد که «تاجایی که یک دوست سهم دارم درین بزنس برایم قصه

کرد، طیاره انتقال کننده این مواد از قسمت جنوب خاک ایران که عمدتاً منطقه ریگستانیست با یک ارتفاع ممکنه نازل پرواز میکند، افراد مؤظف مسلکی ایرنی که داخل طیاره که به صفت کروو یا کارکنان طیاره معرفی شده اند، چوب چارتراش که دارایی سلندر های یورانیوم هستند از طیاره در همین ریگ ها سقوط داده می شوند و در همان قسمت های مشخص اشخاص موظف ایرانی چارتراش سلندر دار را به بتی های اتومی خود انتقال میدهند و یا هم شاید در کدام میدان محلی ایران طیاره برای چند دقیقه توقف داشته باشند تا مواد متذکره از آن تخلیه گردند، من دقیق نمی دانم ولی این قصه ایست که دوست سهم دارم درین بزنیس برابم کرده است، اینکه تا چه اندازه صحت است نمی دانم.»

من از رفیق خود پرسان کردم که: مجموعاً چقدر و یا چه مقدار سلندرها از ریاکتر های اتومی قزاقستان چور و چپاول خواهند شده باشند؟ او برابم گفت «هیچکس دقیق نمی دانند ولی اینکه دولت ایران یک دفتر را به نام قونسلگری بدون هرگونه ضرورت دیگر در جلال آباد برایش باز نموده است و باز یک پروند طیاره برای همین هدف تحت نام (د خیبر ایرلاین) برای انتقالش اسخدام شده است، معلوم می گردد که ممکن مقدار کم نباشد. و از همه بالاتر اینکه قوماندان های خیلی خورده جهادی هم درین بزنیس سهیم شده است این هم دلیلی شده میتواند که ممکن مقدار مواد چور شده از قزاقستان کم نباشند.»

من زیادتر ازین درین مورد معلومات ندارم و به این هم خبر نیستم که فعلاً قونسلگری دولت ایران در شهر جلال آباد وجود دارد یا وظیفه شان ختم شده است؟ و اگر وجود داشته باشند کدام کار هارا پیش می برند؟ آیا این قونسلگری توانست که تمام یورانیوم های غنی شده و چور شده از ریاکترهای اتومی دولت قزاقستان به ایران منتقل بسازند و یا اینکه هنوز هم توسط گروپ طالبان که توسط ایران تغذیه و مسلح میشوند ادامه دارد. من این مطلب را صرف به خاطری به شما دوستان شریک ساختم که ایران برای دست یابی به سلاح اتومی، یورانیوم غنی شده کافی در دسترس خود دارند. اداره ترمپ با پس کشیدن خود از پروتوکول منعده با ایران راجع به تولید اسلحه اتومی اقدام به موقع نکرده اکنون شاید خیلی ناوقت شده باشند. و از کجا معلوم که اخوند های لجام گسیخته ایران، سال های قبل خود را صاحب سلاح اتومی ساخته باشند؟ پایان.

